نشست بررسی وضعیت شعر امروز با علی باباچاهی، محمد شمس‌لنگرودی و احمد غلامی- بخش پایانی

و این همه جنگ و جدل...

عکس‌ها: امیر جدیدی، شرق

شیما بهره‌مند: «چیزهایی که مربوط به شعر می‌شوند مربوط به مردم نمی‌شوند. حداقل آن چیزهایی که شعر باید از آن حرف بزند چیزهایی نیستند که مردم از آن حرف می‌زنند. این همان فرقی است که باید بر سر آن تامل کنیم. چون همیشه وقتی با چیزی فرق می‌کنیم یعنی در چیزی با آن مشترک هستیم.»

نشست بررسی وضعیت شعر امروز، که طبعا جریان‌هایی چون شعر ساده و شعر زبان (یا متکی بر اجرای زبانی) را نیز شامل می‌شود، با محمد شمس‌لنگرودی و علی باباچاهی ادامه پیدا کرد تا رسید به بحث «مخاطب شعر» و البته ادامه موضوعاتی که در بخش اول این گفت‌وگو پیش آمده بود. باباچاهی از تمام‌شدن دوران استعاره باز گفت و اینکه: «دوره توسل به تشبیه و استعاره- مخصوصا از نوع مستعمل‌اش- در شعر سپری شده و طرح این‌دست مباحث، دانش کتابی و رای صادر کردن نیست» و شمس معتقد است که بسیاری از شعرها از راه کتاب‌ها نوشته می‌شوند نه با جان شاعر «شعر تجلی‌اش در زبان است و شاعری می‌تواند با مردم ارتباط حسی برقرار کند که به بهترین‌وجه این را از قوه به فعل درآورد. یعنی از این ابزار به بهترین‌وجه استفاده کند. وگرنه مردم شعرش را نمی‌خوانند. وقتی می‌گویم این حرف‌ها که شما می‌زنید همه‌اش حرف‌های کتابی است منظورم همین است، نه اینکه حرف کتاب‌ها بد است، بلکه شما مرعوب این حرف‌ها شده‌اید و بدون آنکه این مسایل جذب جانتان شده باشد، طوطی‌وار دارید در شعر مصرف می‌کنید.» اما شمس‌لنگرودی تکلیف خود را با «شعر پیچیده» با آوردن روایتی از حزین لاهیجی روشن می‌کند، درباره شاعری که در کار صناعت شعری است در گورستان، آن‌هم در زمانه جنگ و در میان جنازه‌های بسیار. و می‌گوید: «مشغله‌های ایشان (شعر پیچیده) صناعاتی است که اتفاقا اگر این صناعات نباشد شعر خلق نمی‌شود. اما صناعات جزو کار است، هدف نیست. این میان وسیله با هدف اشتباه گرفته شده است.» اما در بحث بر سر «مخاطب»، شمس‌لنگرودی که شعر ساده را شعری مخاطب‌محور می‌داند، می‌گوید: «من اینجا نیستم که شعر شما را رد کنم. من کلا اینطور شعرها را رد می‌کنم به این دلیل که تا آنجا که می‌خوانم و خبر دارم، این‌دست شعرها جذب جان جامعه شعرخوان ما نمی‌شود چون همه‌اش در فکر بازی است. برای اینکه مساله و دغدغه مخاطب در آن نیست.» و البته علی باباچاهی این نقد را به شعرهای خود و امثالش وارد نمی‌داند و معتقد است: «شعر من برخلاف تصور شما تصادفا بسیار در پیوند با مسایل حاد اجتماعی و تراژیکی است که در سطح جهان مشهود است، اما نه آنطور مستقیم که شعر جناب شمس و دوستانشان سراغ موضوع می‌روند.» و البته می‌گوید: «(از تعهدهای شاعر) یکی هم تعهد به ارتقا بخشیدنِ سطح ذوق و فرهنگ مردم شعرخوان است.»

بخش پایانی نشست بررسی وضعیت شعر امروز را، با حضور محمد شمس‌لنگرودی و علی باباچاهی و احمد غلامی می‌خوانید.

... شعرش را برایم خواند. دیدم مشغول صناعت ادبی است. حزین به او می‌گوید، تعجب می‌کنم از تو. در این کوچه‌ها پر از جسد است و نمی‌شود راه رفت، تو چطور در گورستان نشسته‌ای و به صناعت شعری فکر می‌کنی؟» حالا داستان آقای باباچاهی و فرق من با ...

مگر هیچ شعری هست که خارج از زبان باشد؟ شعر تجلی‌اش در زبان است و شاعری می‌تواند با مردم ارتباط حسی برقرار کند که به بهترین‌وجه این را از قوه به فعل درآورد. یعنی از این ابزار به بهترین‌وجه استفاده کند. وگرنه مردم شعرش را نمی‌خوانند. خلاصه ...

... می‌شود و بیشتر به همان بازی‌های زبانی بسنده می‌شود.

باباچاهی: شعر زبان؟ به من چه؟ بازی‌های زبانی هم تعریفی خلاف تصور جناب شمس دارد.

غلامی: بسیار خب. شعر «در وضعیت دیگر»!

بود/ فوت کردم: جنگ تمام! / دختران طرابلسی در وقت‌های به طنازی شیرازی‌ترند/ جنگِ به پایان‌رسیده انار مکیده شده است/ مردن به مصلحت وقت بود/ به گرسنگی از تشنگی از جنگ تمام/ سمت راست صحنه، (جنگ تمام) کویر و نمک اندر نمک/ قورت ...

شمس‌لنگرودی: شعرهای شما (شعر پیچیده) جذب جان جامعه شعرخوان ما نمی‌شود

باباچاهی: جناب شمس شما که از تعهد دم می‌زنید، تعهد به ارتقای ذوق مردم شعرخوان هم هست.

غلامی: شاعرانی که کمترین شور شاعرانه و آگاهی خود را به سطح زبان‌ها هم کسانی بدون توانایی با خلاقیت با زبان‌بازی و سخت‌نویسی پشت این نوع شعر پنهان می‌شوند

ادامه از صفحه ۷

رمان، در خدمت تاریخ نیست

یکی از جنبه‌های تاریخ که برای بسیاری از نویسندگان، جذاب و تامل‌برانگیز است، غیرقطعی‌بودن روایت‌های مکتوب از یک واقعه تاریخی است. آیا از بین این روایت‌ها می‌توان سرانجام به روایتی قطعی دست یافت؟

عدم قطعیت موضوعی است که یکی از وجوه وضعیت مدرن و پست‌مدرن است. بحث مفصلی است حتی اگر موضوعات تاریخی هم لحاظ نشود. اگر درباره ساده‌ترین وقایع هم بخواهیم بنویسیم و محور را روابط علی، معلولی بگذاریم، تنها اگر زاویه دیدها را تغییر دهیم، ماهیت روایات و در نتیجه وقایع تغییر خواهد کرد. حال اگر فردیت و هویت راوی را هربار در نسخه‌های متفاوت متن تغییر دهیم روایت تغییر خواهد کرد. مقصودم این است که به تناسب تغییر راوی از زن به مرد یا باسواد و بی‌سواد، سن و سال و طبقه اجتماعی، ماهیت روایت واقعه تفاوت خواهد کرد. دلایل بسیاری بر تغییر برداشت از سوژه تاثیر دارد. طبیعتا روایتی را که نویسنده قلمی می‌کند و مقدر نوشته‌اش قرار می‌دهد شکل واقعه در آن شکل تثبیت می‌شود. البته به‌جز این کار دیگری نمی‌شود کرد. تعبیر شکل روایت وقایع سیال است، به‌خصوص در خلق واقعه به‌وسیله اندیشیدن نه الگوگرفتن از روی مدل‌های واقعی واقعه. و مهم‌ترین کار نویسنده کشف رابطه علی، معلولی مابین اجزای واقعه است که در واقعیت اتفاق افتاده، به‌نوعی ذهن نویسنده مثل ذهن یک کارآگاه باید جزییات را بیابد. پلیس ممکن است فی‌المثل قاتل قتلی یا مجرم جرمی را که واقع شده بیابد یا نیابد ولی داستان‌نویس کاشف شمای کلی واقعه می‌شود. حال اگر نویسنده بخواهد واقعه‌ای را در ذهنش سامان دهد به اجزای واقعه‌اش می‌اندیشد؛ واقعه‌ای که طبعا موازی وقایع در واقعیت است.

برخی معتقدند که هیچ رمان خوب و ماندگاری نیست که تاریخ به‌نحوی در آن حضور نداشته باشد و در آسیب‌شناسی رمان‌های ایرانی سال‌های اخیر، مساله فقدان پشتوانه تاریخی در این آثار را یکی از دلایل ضعف و ناماندگاری این آثار می‌دانند. نظر شما در این‌باره چیست؟

نویسنده چه بخواهد و چه نخواهد تاریخیت دوره‌ای که در آن زندگی می‌کند ...

نگاه

وحشت از آزادی

پارسا ریاحی: «و کوه‌ها طنین انداختند»، ترجمه سومین اثر خالد حسینی، نویسنده افغانی-آمریکایی است که با ترجمه مریم مفتاحی و توسط نشر آلما به فارسی منتشر شده است. در توضیحی که مترجم کتاب داده، عنوان کتاب که شاید کمی نامأنوس باشد، از یکی از اشعار ویلیام بلیک شاعر انگلیسی الهام گرفته شده و کنایه از آن دارد که درد و رنج مردم افغانستان چنان عظیم است که کوه‌ها آن را منعکس کرده‌اند و طنین فریادهایشان در کوه‌ها پیچیده است: «به همین علت اصرار داشتم دقیقا به همان شکل به فارسی ترجمه شود. نویسنده در این رمان با قلمی شیوا و مهارتی ستودنی داستان را با جزییات دقیق و موجز روایت می‌کند و طرحی ظریف و ...

... کودکانه عبدالله و پری، خصوصا در اشاره به «من پری کوچک غمگینی را می‌شناسم» از شعر شاعر بزرگ فارسی زبان، شادروان فروغ فرخزاد الهام گرفته شده است. عنوان کتاب نیز برگرفته از ترانه زیبای «پرستار» اثر ویلیام بلیک است.» در بخشی از رمان

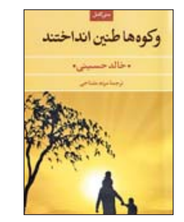

و کوه‌ها طنین انداختند
خالد حسینی
مترجم: مریم مفتاحی
ناشر: آلما
چاپ اول: ۱۳۹۲
۱۹۰۰۰ تومان

«و کوه‌ها طنین انداختند» می‌خوانیم: «مطمئن نیستم درک کند. دلیل دیگرش را به او نمی‌گویم. اعتراف به آن برایم سخت است. اینکه با وجود اشتیاق فراوانم ...

مرور

پنجاه‌وششمین شماره فصلنامه «زنده‌رود»

ادبیات دوره پهلوی و صادق هدایت

«زنده‌رود» از نشریاتی است که به صورت فصلنامه و در حوزه‌های فرهنگ، ادبیات و تاریخ در اصفهان منتشر می‌شود و در این چند سالی که منتشر شده، توانسته جایگاهی معتبر در میان فصلنامه‌های فرهنگی و هنری به دست آورد. شماره پنجاه‌وششم این فصلنامه در تابستان ۹۲ و در ۲۸۴ صفحه منتشر شده است. زنده‌رود در این شماره نیز به سیاق گذشته بخشی ویژه دارد و در آن به بررسی «ادبیات دوره پهلوی» پرداخته است. در این بخش مروری اجمالی بر گونه‌هایی از تحولات فرهنگی و هنری دوره پهلوی و به خصوص ادبیات این دوره صورت گرفته است. صادق هدایت ...

... شروع می‌شود. به‌جز این، مقالاتی از شاپور بهیان، احمد اخوت، فرهاد کشوری، ناصر پاکدامن، مهدی نفیسی، حسام‌الدین نبوی‌نژاد، انوش صالحی، آرمان نهچیری، نسبیه فضل‌اللهی و محمدباقر حاجیانی در این بخش دیده می‌شود. فرهنگستان اول، ملت‌سازی در عصر رضاشاه، نقد شرق‌شناسی در نخستین مقاله احمد کسروی به زبان فارسی، کهن‌نمونه قهرمان در نمایشنامه‌های دوره پهلوی اول و... از موضوعاتی است که در این بخش مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مقالاتی که به صادق هدایت اختصاص یافته‌اند عبارتند از: «صادق هدایت و نوشتن درباره دیکتاتور» نوشته شاپور بهیان، «ترجمه‌های بوف کور» نوشته احمد اخوت، «صادق هدایت و روژه لسکو و ترجمه فرانسه بوف کور» نوشته ناصر پاکدامن. دو مقاله آخر درباره ترجمه‌های بوف کور به زبان‌های مختلف است. بوف کور تاکنون به ۱۳ زبان ترجمه شده، از جمله ترجمه‌ای که رژه لسکو در

زنده‌رود
شماره ۵۶
تابستان ۹۲
قیمت: ۶۰۰۰ تومان

سال ۱۹۵۳ و به زبان فرانسه از بوف کور به دست داده است. احمد اخوت در مقاله‌اش درباره این ترجمه نوشته: «من اول بار که بوف کور را در یک کشور خارجی دیدم سال ۱۹۷۶ میلادی بود. این کتاب که من آن‌همه خاطرات از آن داشتم به دست رژه ...

عطف کتاب

تازه‌های کتاب نشر نیکا

دیگر رویایی نیست

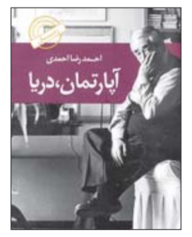

آپارتمان، دریا
اولین رمان از احمدرضا احمدی
چاپ اول: ۱۳۹۲
۱۴۰۰۰ تومان

«... خودم خوب می‌دانم دیگر رویایی نیست. هر چه هست واقعیت گزنده روزها و شب‌ها است. پیری آرام‌آرام همه رویاها را نابود می‌کند...» شاعر، احمدرضا احمدی در اولین رمانش؛ «آپارتمان، دریا» از رویاهایی می‌نویسد که می‌روند تا فراموش شوند و شاید «رویاها هم مرا فراموش کرده‌اند.»

رمان شاعر پر است از ارجاعات و نام‌ها: «آلبر کاموی نازنین» که «یک زمان بعد از جدایی از همسرم، کتاب بیگانه کامو کتاب بالینی من بود... و عاشق خطابه‌اش هنگام دریافت جایزه نوبل بودم و نفرتش را از استالین دوست داشتم.» یا وقتی راوی از پیش دکتر برمی‌گردد و مجبور می‌شود کتابی با نام «چگونه باید از سکته قلبی جلوگیری کرد» بخرد، گرفتار برف ...

... رمان، «هفت نامه برای دکتر نازنین و دوست من» می‌آید. «نامه اول در یک روز شنبه نوشتم»، تا «نامه هفتم در یک روز چهارشنبه نوشتم» و بعد «چهار نامه به دختری که در پاریس گم شد هدیه به دکتر عزیز من» و اولین رمان شاعر اینطور تمام می‌شود: «شعر که تمام شد، آرام‌آرام از این جهان رفت. رویش پتو انداختم...»

مصایب یک حافظه ۸۰دقیقه‌ای

خدمتکار و پروفسور
یوکو اگاوا
مترجم: شقایق نظرزاده
چاپ اول ۱۳۹۲
۱۲۰۰۰ تومان

«خدمتکار و پروفسور» عنوان رمانی از یوکو اگاوا، نویسنده ژاپنی، است که با ترجمه شقایق نظرزاده به فارسی منتشر شده است. خدمتکار و پروفسور داستان زندگی غیرمعمول یک پروفسور ریاضی است که توسط خدمتکاری جوان روایت می‌شود. پروفسور ریاضی بر اثر یک حادثه با اختلال حافظه روبه‌رو شده و حافظه‌اش تنها ۸۰دقیقه دوام دارد و بعد از آن چیزی به یاد نمی‌آورد. پس به‌ناچار خدمتکار هرروز مجبور است که خود را از نو به پروفسور معرفی کند و به این ترتیب رابطه میان این دو شکلی عجیب به خود گرفته است. پیرمرد ریاضیدان اگرچه قادر نیست گذران روزهای زندگی‌اش و ارتباطش با خدمتکار و پسر او را به یاد آورد، اما رابطه میان ساده‌ترین مقادیر عددی را به‌سادگی کشف می‌کند. در سال ۲۰۰۶ بر اساس رمان خدمتکار و پروفسور، فیلمی به نام «پروفسور و معادله‌های محبوبش» به کارگردانی تاکاشی کوییزومی ساخته شد که این فیلم چندسال پیش و در جشنواره فیلم فجر هم نمایش داده شد. پروفسور ریاضی این داستان اگرچه حافظه‌ای ۸۰دقیقه‌ای دارد اما باور دارد که همه دنیا را می‌شود با زبان دقیق اعداد توضیح داد. او اسم پسر خدمتکار جوانش را به دلیل اینکه سری تخت و صاف دارد، رادیکال گذاشته و اعداد اول غول‌آسایی را به آنها می‌آموزد. اما نگهداری از پیرمرد ریاضیدان به دلیل اختلال حافظه‌اش کار راحتی نیست. حتی برای خدمتکار جوان داستان که بیش از ۱۰سال سابقه کار دارد و با انواع و اقسام آدم‌ها و سختگیرترین مشتری‌هایش کنار آمده: «در مورد پروفسور، نیم‌نگاهی به کارت اشتراکش کافی بود که بفهمی پردردسر است. هربار که خدمتکاری عوض می‌شد یک ستاره آبی پشت کارت مشترک مهر می‌کردند. و آن‌موقع پشت کارت پروفسور نُه ستاره وجود داشت که طی این سال‌هایی که برای آژانس کار می‌کردم، برای خودش یک رکورد محسوب می‌شد». خدمتکار جوان در همان اول کارش فکر می‌کند که چطور آدم با حافظه‌ای که ۸۰دقیقه دوام می‌آورد، زندگی می‌کند؟ و بعد ستاره دهم را بر کارت پروفسور تصور می‌کند. اما به‌هرحال او کارش را در خانه پروفسور شروع می‌کند و داستان پیش می‌رود.

به‌دنبال گوسفندی اسرارآمیز

تعقیب گوسفند وحشی
هاروکی موراکامی
مترجم: مهدی غبرایی
چاپ اول: ۱۳۹۲
۲۳۰۰۰ تومان

هاروکی موراکامی در ایران نویسنده شناخته‌شده‌ای است و بخشی از این شناخت مربوط به ترجمه‌های مهدی غبرایی از آثار اوست. غبرایی پیش از این سه رمان با نام‌های «کافکا در کرانه»، «پس از تاریکی» و «سرزمین عجایب بیرحم و ته دنیا» و دو مجموعه داستان «گربه‌های آدمخوار» و «چاقوی شکاری» را از موراکامی ترجمه کرده بود و به‌تازگی نیز رمان دیگری از او با عنوان «تعقیب گوسفند وحشی» با ترجمه ...